



سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران

۵۱۲

وجهیت و افعال وجهی در زبان فارسی

تألیف:

جلال رحیمیان

استاد زبانشناسی دانشگاه شیراز

سیده سحر جاوید

دانشجوی دکتری زبانشناسی

چاپ اول

۱۳۹۶



دانشگاه شیراز
انتشارات دانشگاه شیراز

۵۱۴

وجهیت و افعال وجهی در زبان فارسی

تألیف:

جلال رحیمیان

عضو هیأت علمی دانشگاه شیراز

سحر جاوید

دانشجوی دکتری زبان‌شناسی دانشگاه شیراز

سرشناسه	: رحیمیان، جلال، ۱۳۳۵ -
عنوان و نام پدیدآور	: وجهیت و افعال وجهی در زبان فارسی/ تألیف جلال رحیمیان، سحر جاوید.
مشخصات نشر	: شیراز: دانشگاه شیراز، مرکز نشر، ۱۳۹۶.
مشخصات ظاهری	: ۱۹۶ص.
شابک	: ۹۷۸۹۶۴۴۶۲۵۱۴۵
وضعیت فهرست نویسی	: فیپا
یادداشت	: کتابنامه.
موضوع	: فارسی -- وجه
موضوع	: Persian language -- Mood
موضوع	: فارسی -- فعل
موضوع	: Persian language -- Verb
شناسه افزوده	: جاوید، سحر، ۱۳۶۸ -
شناسه افزوده	: دانشگاه شیراز. مرکز نشر
رده بندی کنگره	: ۱۳۹۶ ۳/۳ PIR۲۶۸۸
رده بندی دیویی	: ۴۵۵
شماره کتابشناسی ملی	: ۴۹۳۷۰۷۶

وجهیت و افعال وجهی در زبان فارسی

جلال رحیمیان، سحر جاوید

صفحه آرا: زینب دهقانی

چاپ اول: ۱۳۹۶

تیراژ: ۱۰۰۰ نسخه

قیمت: ۱۳۰۰۰۰ ریال



(حق چاپ برای مرکز نشر دانشگاه شیراز محفوظ است.)

شیراز، میدان ارم، کوی دانشگاه شیراز - کد پستی ۸۵۱۱۵ - صندوق پستی ۱۱۶۱

تلفن و تلفکس: ۰۷۱-۳۶۲۷۳۰۵۰

شورای انتشارات دانشگاه شیراز

معاون پژوهشی دانشگاه و رئیس شورای انتشارات	دکتر قاسم حبیب‌آگهی
مدیر امور پژوهشی دانشگاه و جانشین رئیس شورای انتشارات	دکتر علیرضا سرداریان
رئیس مرکز نشر	دکتر هاجر ستوده
دانشکده حقوق و علوم سیاسی	دکتر محمد امامی
دانشکده مهندسی برق و کامپیوتر	دکتر مهرزاد بیغش
دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی	دکتر مرتضی خسرو نژاد
دانشکده مهندسی	دکتر سید مجتبی زبرجد
دانشکده علوم	دکتر نوذر سامانی
دانشکده مهندسی شیمی، نفت و گاز	دکتر علیرضا شریعتی
دانشکده هنر و معماری	دکتر حمیدرضا شریف
دانشکده الهیات و معارف اسلامی	دکتر عبدالعلی شکر
دانشکده اقتصاد، مدیریت و علوم اجتماعی	دکتر احمد صدراپی جواهری
دانشکده ادبیات و علوم انسانی	دکتر حسین کیانی
دانشکده کشاورزی	دکتر مرضیه موسوی نسب
دانشکده دامپزشکی	دکتر ناصر وصال

تقدیم بہ

پیشگاہ مدافع حرم

شہید سر جدا

حجت خدا

«محسن جمعی»

پیشگفتار

«وجه» و «وجهیت» دو مفهوم همواره مرتبط با یکدیگرند. وجه ناظر به صورت ظاهری فعل است و وجهیت حاکی از قطعیت یا عدم قطعیت هر نوع رویداد است. بر همین اساس، جملات از نظر وجهیت، به دو دسته کلی قابل تقسیم هستند. هرگاه تحقق رخداد یا موقعیت، بی‌قید و شرط باشد، قطعی یا غیروجهی نامیده می‌شود؛ در صورتی که وقوع رخداد یا موقعیت منوط به تحقق شرطی از شروط باشد، یا هنگامی که به جای سخن از تحقق، پای مفاهیمی از قبیل ضرورت، امکان، احتمال، تمایل، توانائی و امثال آن در میان باشد، با رویدادها و موقعیت‌های وجهی روبرو هستیم. وقایع و وضعیت‌های وجهی در زبان‌های گوناگون با استفاده از ابزار مختلف بیان می‌شوند: افعال وجهی، قیود وجهی، افعال شبه وجهی، و فعل با وجه التزامی از رایج‌ترین اسباب بیان وجهیت است. البته دلیل وجود ندارد که یک زبان از همه امکاناتی که هم‌اکنون بیان شد برای بیان وجهیت استفاده کند. برای مثال در بعضی از زبان‌های وجهیت با استفاده از صورت خاصی از فعل واژگانی بدون نیاز به فعل وجهی بیان می‌شود. مؤلفان در کتاب حاضر، با استفاده از پالمر (۱۹۹۰) به عنوان چارچوبی نظری، به بررسی و تحلیل وجه، وجهیت و افعال وجهی فارسی پرداخته‌اند.

کتاب حاضر در ۹ فصل به رشته تحریر درآمده است. فصل نخست به معرفی وجه، وجهیت و افعال وجهی فارسی اختصاص دارد. در این فصل جنبه‌های صوری و معنایی وجه، و همچنین ارتباط میان وجه و زمان دستوری مورد مذاقه قرار گرفته است. در بخش دیگری از این فصل ارتباط میان وجه و زمان تقویمی مورد بررسی و تحلیل واقع شده است. وجهیت و ابزار بیان وجهیت نیز در بخش دیگری از فصل نخست مورد بحث قرار گرفته است. صورت افعال وجهی، و انواع و درجات وجهیت از آخرین مطالبی است که در این فصل بیان شده است.

در بخش نخست از فصل دوم، نکات لازم در باب چارچوب نظری تحقیق، ماهیت کار، ملاحظات نظری، داده‌های تحقیق و قواعد نگارشی بیان شده است. بخش دوم از این فصل به بیان مفاهیم «امکان»، «ضرورت» و دیگر عناصر وجهی و وجهیت اختصاص داده شده است. در بخش سوم از فصل دوم، به طبقه‌بندی افعال وجهی، وجهیت و گزاره و انواع وجهیت پرداخته شده است. در آخرین بخش از این فصل، جزئیاتی از قبیل منفی‌سازی در سه نوع از وجهیت معرفتی، استلزامی و پویایی، و همچنین پرسشی‌سازی، عدم تحقق رخداد، رخدادهای آینده و صورت‌های معلوم و مجهول اختصاص یافته است.

فصل سوم با بحث وجهیت معرفتی با توجه به مفاهیم امکان، ضرورت آغاز شده، و در همین ارتباط، نقش «باید» و دیگر اصطلاحات شبه وجهی و قیود وجهی مورد بررسی و تحلیل قرار گرفته است. در بخش دیگری از این فصل، فعل «خواه» و دیگر عناصر معرفتی از قبیل «شدن» و فعل‌های شبه وجهی مورد بحث و بررسی قرار گرفته‌اند. مفاهیم نفی، زمان و حالت، پرسشی‌سازی از دیگر مطالب مطرح شده در این فصل است. فصل چهارم از کتاب به وجهیت استلزامی و کنشی با توجه به سه عنصر امکان، ضرورت و تضمین پراخته شده است. در باب مفهوم امکان، سه عنصر اجازه، فرمان و ماهیت کاربردی فعل «توان» مورد بحث واقع شده‌اند. در بخش دیگری از این فصل، مفاهیم زمان، نفی، عدم تحقق رخداد و حالت در ارتباط با وجهیت استلزامی مورد مذاقه قرار گرفته است. محتوای اصلی فصل پنجم شامل مباحثی در باب مفهوم وجهی «امکان پویا» با استفاده از «توان» و «توانستن» است. منظور نویسندگان از مفاهیم «خنثی» و همچنین برادشت‌های ضمنی و

فعل‌های خصوصی نیز در فصل مورد بیان شده است. در پایان این فصل ضمن بیان نکاتی در باب «توان» و «توانستن، بحثی تحت عنوان وجهیت منطقی و وجهیت وجودی نیز مطرح شده است. در فصل ششم «ضرورت پویا» را با استفاده از فعل وجهی «باید» و برخی از فعل‌های شبه وجهی همراه با جزئیات لازم از قبیل نفی، پرسش، زمان، حالت مورد بررسی و تحلیل قرار گرفته است.

در فصل هفتم، فعل «خواه» برای نخستین بار در زبان فارسی به عنوان یک فعل وجهی مطرح شده است، و نشان داده شده است که این فعل علاوه بر ایفای نقش در ساخت آینده، برای بیان برخی از مفاهیم وجهی به کار گرفته می‌شود. برخی از کاربردهای «حال‌مدار»، خواه نیز در این فصل کانون توجه قرار گرفته است. کاربردهای معرفتی و تمایلی فعل مزبور نیز از مباحثی است که در این فصل به اجمال بررسی شده است. از آنجا که برخی از کاربردهای وجهی را می‌توان در قالب جمله‌های شرطی مشاهده کرد، فصل هشتم به شرطی‌های فارسی و انواع وجهیتی که در قالب آنها بیان می‌شود اختصاص یافته است. الگوهای پایه، شرطی‌های تلویحی و دیگر انواع شرطی‌ها، و جایگاه «خواه» در شرطی‌های از مهمترین مباحث فصل هشتم است. فصل پایانی کتاب تحت عنوان «مسائل نهایی»، به نقش فعل‌های وجهی در بندهای پیرو، وجهی‌ها و کاربردهای مبتنی بر ادب، انواع وجهیت و عدم یقین و همچنین مقایسه میان فعل وجهی و فعل اصلی اختصاص یافته است.

فهرست مطالب

شماره صفحه	عنوان
۱	فصل اول: وجه، وجهیت و افعال وجهی در زبان فارسی
۱	مقدمه
۲	۱-۱ افعال وجهی فارسی
۸	۲-۱ وجه
۸	۱-۲-۱ جنبه صوری وجه
۹	۲-۲-۱ جنبه معنایی وجه
۱۰	۳-۲-۱ وجه و زمان دستوری
۱۱	۴-۲-۱ وجه، رخداد و زمان تقویمی
۱۲	۳-۱ وجهیت و ابزار بیان آن
۱۵	۴-۱ صورت افعال وجه
۱۷	۵-۱ انواع و درجات وجهیت
۱۹	فصل دوم: چارچوب نظری
۱۹	۱-۲ ماهیت تحقیق حاضر
۱۹	۱-۱-۲ ملاحظات نظری
۲۱	۲-۱-۲ داده‌های تحقیق
۲۴	۳-۱-۲ قواعد نگارشی
۲۴	۲-۲ امکان و ضرورت
۲۴	۱-۲-۲ امکان
۲۶	۲-۲-۲ ضرورت
۲۸	۳-۲-۲ تضمین
۲۹	۴-۲-۲ دیگر عناصر وجهی‌ها و وجهیت
۳۰	۳-۲ طبقه‌بندی افعال وجهی
۳۰	۱-۳-۲ وجهیت و گزاره
۳۵	۲-۳-۲ انواع وجهیت
۳۹	۴-۲ جزییات بیشتر
۳۹	۱-۴-۲ منفی‌سازی
۳۹	۱-۱-۴-۲ معرفتی
۴۱	۲-۱-۴-۲ استلزامی
۴۲	۳-۱-۴-۲ پویایی

۴۵	۲-۴-۲ پرسشی سازی
۴۶	۳-۴-۲ زمان گذشته ی دستوری و تقویمی
۵۲	۴-۴-۲ عدم تحقق
۵۴	۵-۴-۲ آینده
۵۴	۶-۴-۲ معلوم و مجهول
۵۷	فصل سوم: وجهیت معرفتی
۶۱	۱-۳ امکان
۶۲	۲-۳ ضرورت
۶۳	۱-۲-۳ باید
۶۵	۲-۲-۳ اصطلاحات شبه وجهی
۶۶	۳-۲-۳ حتماً، بی شک، لزوماً
۶۸	۳-۳ خواه
۶۸	۴-۳ دیگر عناصر معرفتی
۶۸	۱-۴-۳ «شدن» و فعل های شبه وجهی
۷۰	۵-۳ غیر مثبت، زمان و حالت
۷۰	۱-۵-۳ نفی
۷۲	۲-۵-۳ پرسشی سازی
۷۴	۳-۵-۳ زمان گذشته ی تقویمی
۷۶	۴-۵-۳ آینده
۷۷	۵-۵-۳ معلوم و مجهول
۷۷	۶-۵-۳ قید
۷۹	فصل چهارم: وجهیت استلزامی
۷۹	۱-۴ وجهیت استلزامی و کنشی
۸۱	۲-۴ امکان
۸۱	۱-۲-۴ اجازه
۸۲	۲-۲-۴ فرمان
۸۳	۳-۲-۴ ماهیت «توان»
۸۳	۳-۴ ضرورت
۸۵	۴-۴ خواه
۸۶	۵-۴ جمله های غیر مثبت، زمان و حالت
۸۶	۱-۵-۴ نفی
۸۹	۲-۵-۴ پرسشی سازی

۹۱	۳-۵-۴ گذشته و غیرگذشته
۹۲	۴-۵-۴ عدم تحقق
۹۳	۵-۵-۴ حالت
۹۷	فصل پنجم: امکان پویا
۹۷	۱-۵ توان و توانستن
۹۸	۱-۱-۵ خنثی
۹۹	۲-۱-۵ توانایی
۱۰۱	۳-۱-۵ برداشت‌های ضمنی
۱۰۲	۴-۱-۵ فعل‌های خصوصی
۱۰۴	۲-۵ قادر بودن
۱۰۴	۳-۵ جمله‌های غیرمثبت، زمان و حالت
۱۰۴	۱-۳-۵ نفی
۱۰۶	۲-۳-۵ پرسشی‌سازی
۱۰۶	۳-۳-۵ زمان گذشته
۱۱۱	۴-۳-۵ زمان آینده
۱۱۲	۵-۳-۵ عدم تحقق
۱۱۴	۶-۳-۵ حالت
۱۱۵	۴-۵ نکاتی در باب «توان» و «شدن»
۱۱۵	۱-۴-۵ قواعد و مقررات
۱۱۶	۲-۴-۵ وجهیت منطقی
۱۱۷	۳-۴-۵ وجهیت وجودی
۱۱۸	۴-۴-۵ «شدن» پویا
۱۱۹	فصل ششم: ضرورت پویا
۱۱۹	۱-۶ باید
۱۲۱	۲-۶ فعل‌های شبه‌وجهی
۱۲۱	۱-۲-۶ فعل‌های شبه‌وجهی «لازم/ ضروری بودن»
۱۲۲	۲-۲-۶ «لازم/ ضروری بودن» و «باید»
۱۲۳	۳-۶ غیرخبری‌ها، زمان دستوری و حالت
۱۲۳	۱-۳-۶ نفی
۱۲۶	۲-۳-۶ پرسش
۱۲۷	۲-۳-۶ زمان گذشته
۱۲۹	۳-۳-۶ آینده

۱۳۰	۴-۳-۶ مجهول سازی
۱۳۰	۴-۶ شبه وجهی های بیانگر ضرورت
۱۳۱	۱-۴-۶ «باید، لزوم، ضرورت و اجبار»
۱۳۳	۲-۴-۶ صورت های غیر مثبت
۱۳۴	۳-۴-۶ زمان و حالت
۱۳۵	۵-۶ ضرورت فاعل مدار

فصل هفتم: «خواه»: وجهیت، آینده

۱۳۷	۱-۷ «خواه» فاعل مدار
۱۳۷	۱-۱-۷ تمایل
۱۴۰	۲-۱-۷ توانایی
۱۴۰	۳-۱-۷ عادت
۱۴۱	۲-۷ «خواه» و «آینده»
۱۴۱	۱-۲-۷ «خواه» و وجهیت
۱۴۱	۲-۲-۷ شرطیت
۱۴۴	۳-۲-۷ «خواه» وجهی
۱۴۵	۳-۷ شبه وجهی ها و آینده
۱۴۶	۱-۳-۷ سبک
۱۴۶	۲-۳-۷ حال مداری
۱۴۹	۴-۷ «خواه»، «قرار بودن» و «داشتن»
۱۴۹	۱-۴-۷ تقابل
۱۵۲	۲-۴-۷ دیگر کاربردها
۱۵۳	۵-۷ نفی، زمان دستوری و حالت
۱۵۳	۱-۵-۷ نفی
۱۵۵	۲-۵-۷ پرسش
۱۵۶	۳-۵-۷ گذشته
۱۵۷	۴-۵-۷ حالت
۱۵۸	۶-۷ مسائل نظری
۱۵۹	۱-۶-۷ آینده ی دستوری
۱۵۹	۲-۶-۷ «خواه» معرفتی
۱۶۰	۷-۷ مایل بودن / تمایل داشتن
۱۶۱	۸-۷ قرار بودن
۱۶۱	۱-۸-۷ مفاهیم زمانی
۱۶۲	۲-۸-۷ افعال وجهی

۱۶۳	فصل هشتم: شرطی ها
۱۶۳	۱-۸ انواع شرطی ها
۱۶۳	۱-۱-۸ الگوهای پایه
۱۶۴	۲-۱-۸ قابلیت پیش بینی
۱۶۶	۳-۱-۸ شرطی های تلویحی
۱۶۸	۴-۱-۸ دیگر انواع شرطی
۱۶۹	۵-۱-۸ قرار بودن
۱۷۰	۲-۸ موارد مسئله ساز
۱۷۰	۱-۲-۸ «خواه» در شرط
۱۷۱	۲-۲-۸ وجهی های پویا
۱۷۲	۳-۲-۸ وجهی های معرفتی و استلزامی
۱۷۳	۴-۲-۸ شدن و توان
۱۷۵	فصل نهم: مسائل نهایی
۱۷۵	۱-۹ فعل های وجهی در بندهای پیرو
۱۷۷	۲-۹ وجهی ها و کاربردهای مبتنی بر «ادب»
۱۷۹	۳-۹ وقوع رخداد
۱۸۰	۴-۹ انواع وجهیت و عدم یقین
۱۸۲	۵-۹ فعل وجهی و فعل اصلی
۱۸۳	۱-۵-۹ ویژگی های مختص افعال کمکی
۱۸۴	۲-۵-۹ آزمون های «زمان، نفی و مجهول»
۱۸۷	کتاب نامه
۱۹۳	نمایه

فصل اول

وجه، وجهیت و افعال وجهی در زبان فارسی

مقدمه

در قلمروی مطالعات دستوری زبان فارسی، برخی مفاهیم، علی‌رغم پژوهش‌های پیشین، هنوز بررسی و تحلیل‌های تخصصی بیشتری را می‌طلبند. اگرچه مفاهیمی چون «وجه»، «وجهیت» و به تبع آن افعال وجهی فارسی و همچنین فعل‌های شبه‌وجهی در کتب و مقاله‌های گوناگون مورد بحث قرار گرفته‌اند، اما به نظر می‌رسد ناگفته‌های فراوانی در این حوزه از مباحث دستوری باقی مانده است که نیاز به بحث‌های جدی و مبسوطی دارند. «وجهیت»، بنا به ماهیت نه تنها موضوعی زبانشناختی است که از جنبه‌های فلسفی نیز بهره‌مند است. شاید به همین دلیل بتوان گفت که رویکرد صرفاً معناشناسانه به وجهیت، برای شفاف‌سازی تمامی ابعاد توصیفی و نظری وجهیت کفایت نکند. این که هنوز تعریفی از مفهوم «وجهیت» که مقبول عام باشد، ارائه نشده خود دلیلی بر اهمیت و پیچیدگی موضوع است. عموزاده و توانگر (۲۰۰۹) با اشاره به لاینز (۱۹۷۷) پالمر (۱۹۸۶)، بای‌بی و همکاران (۱۹۹۴)، فیلمور (۱۹۸۶)، گیون (۱۹۹۵)، پالمر (۱۹۹۸) و ناروگ (۲۰۰۵) امکان دسته‌بندی مفهوم «وجهیت» به سه دسته‌ی کلی را مطرح کرده‌اند. از نظر این صاحب‌نظران، «وجهیت» یعنی اطلاعات معنایی راجع به نگرش گوینده به کلام؛ از نگاهی دیگر، وجهیت یعنی مفهومی فراسوی گزاره‌های موجود در گفته‌ها، و یا حتی یعنی ابزاری برای تشخیص صدق از کذب. البته همان‌طور که این پژوهشگران معتقدند، هیچ‌یک از موارد سه‌گانه‌ی فوق به تنهایی تبیین‌کننده‌ی مفهوم «وجهیت» نخواهند بود. تفاوت برداشت‌ها در باب مفهوم وجهیت به این معنا نیست که هیچ‌گونه اتفاق نظری در هیچ جنبه‌ای بین زبان‌شناسان در این حوزه حاصل نیست. برعکس، عمده‌ی زبان‌شناسان شناخته‌شده از جمله لاینز (۱۹۷۷)، بای‌بی و همکاران (۱۹۹۴)، هادلستون (۲۰۰۲)، فینتل (۲۰۰۶) و نیوتس (۲۰۰۶) «وجهیت» را به طور عمده، گویای نبود قطعیت گزاره‌های موجود می‌دانند که این خود مبنای مشترکی میان زبان‌شناسان ایجاد می‌کند. از مهم‌ترین مسائل مطمح نظر در پژوهش حاضر، می‌توان به سؤالات زیر اشاره کرد: وجه چیست و وجهیت کدام است؟ چه ارتباطی میان جنبه‌های صوری و معنایی وجه وجود دارد؟ انواع و درجات وجهیت کدامند؟ این ویژگی‌ها در فارسی چگونه به نمایش درمی‌آیند؟ کاربردهای وجهیت در فارسی چیست؟ فعل‌های وجهی فارسی کدامند و به لحاظ

ساخت‌واژی و کاربردی چگونه از دیگر افعال فارسی متمایز می‌شوند؟ آیا مفهوم وجهیت تنها با استفاده از افعال وجهی قابل بیان است؟

۱-۱ افعال وجهی فارسی

پژوهش‌های معتناهی در قلمروی وجهیت و مفاهیم مرتبط با آن در فارسی به رشته‌ی نگارش درآمده است. پیچیدگی روابط میان صورت‌های وجهی و معانی و کاربردهای مترتب بر آنها از مباحث بسیار پیچیده در مطالعات دستوری است و همین امر، پرداختن جدی به مقوله‌ی وجه و وجهیت را ضروری می‌سازد. البته این نکته به معنای انکار تلاش‌های پژوهشی گذشته در این حوزه نیست و هیچ محقق‌ی نیز مدعی نیست که تحقیق وی گام نهایی در زمینه‌ی مورد پژوهش است. به هر حال، بخش عظیمی از آثار گذشته به جای تحلیل ماهیت و کارکرد این مفهوم به ارائه‌ی فهرستی از افعال وجهی بسنده کرده‌اند که نگاهی کوتاه به برخی از آن‌ها خواهیم داشت.

باطنی (باطنی ۱۳۴۸: ۵-۱۲۲) تحت عنوان *افعال ناقص*، از سه دسته فعل سخن می‌گوید: دسته‌ی نخست، از سه فعل *باید*، *توان*، و *شدن* تشکیل شده، دسته‌ی دوم و سوم هر کدام تنها یک عضو دارند که به ترتیب عبارتند از: *داشتن* و *خواستن*. وی برای دو فعل اخیر به صراحت از اصطلاح *معین* استفاده می‌کند، اما نمی‌گوید که فعل *معین* چه ویژگی‌هایی دارد. وی از کارکردهای معنایی این افعال نیز سخنی نمی‌گوید.

مشکوة‌الدینی (۱۳۷۹: ۷۴) بدون ارائه‌ی تعریفی از مفهوم «فعل وجهی»، فعل‌هایی چون «باید»، *شدن* و *توان*، و همچنین صورت‌های گوناگون فعل «توانستن» را وجهی می‌نامد. وی ادامه می‌دهد که فعل نخست، برای *اجبار*، *استنباط* و *نتیجه‌گیری*، فعل دوم برای بیان *امکان*، و فعل «توان» و صورت‌های گوناگون «توانستن» برای *امکان* یا *توانایی* به انجام رساندن کار استفاده می‌شود. مشکوة‌الدینی (۱۳۷۹: ۱۳۱) می‌افزاید که فعل وجهی را فعل «ناقص» نیز می‌نامند، زیرا یا صورت آن ثابت است یا در همه‌ی شکل‌ها یا صیغه‌ها صرف نمی‌شود.

با توصیف بالا، به نظر می‌رسد که منظور مشکوة‌الدینی از افعال وجهی همان مفهومی است که در نظر بسیاری از صاحب‌نظران به افعال «معین» شناخته شده است. به هر حال، ذکر نکاتی در ارتباط با تحلیل ایشان از این افعال ضروری است. نخست اینکه، ملاک صوری ارائه شده از سوی مشکوة‌الدینی برای تمایز میان تمام افعال وجهی از فعل‌های غیروجهی چندان کارآمد و قابل اتکاء نیست، زیرا توجیهی در باب این که چرا «توانستن» را باید وجهی نامید ارائه نمی‌کند. دوم اینکه، ایشان اگرچه با اشاره به باطنی (۱۳۵۴: ۱۹۴) بیان می‌کند که فعل‌های غیراصلی (غیر واژگانی) هم از لحاظ صورت و هم از لحاظ معنا با فعل‌های معین متفاوتند، اما نه تعریفی از افعال معین به دست می‌دهد و نه سخنی از ملاک‌های تمایز به میان می‌آورد.

اخلاقی (۱۳۸۶) با معرفی «وجه» به عنوان یک مقوله‌ی نحوی-معنایی، آن را نشانگر نظر و دیدگاه گوینده نسبت به سخنش می‌داند. ایشان همچنین پس از بحث به نسبت مبسوطی پیرامون سه فعل وجهی به اصطلاح «بایستن، شدن و توانستن» و کاربردهای آنها، چنین نتیجه می‌گیرد که تنها فعل «باید» در هر سه وجه «برداشتی»، «درخواستی» و «توانمندی» به کار می‌رود. اما، آن گونه که طی این تحقیق نشان خواهیم داد، دو فعل دیگر نیز تحت شرایطی برای وجوه فوق نیز قابل استفاده هستند.

شریعت (۱۳۶۴: ۱۱۹) با استفاده‌ی مترادف از دو اصطلاح «کمکی و معین»، نقش این افعال را «ایجاد حالت مخصوصی» برای فعل اصلی می‌داند. افعال مزبور از نظر ایشان عبارتند از: «بایستن، شایستن، توانستن، خواستن، داشتن و شدن». وی از میان افعال بالا، به بیان کاربرد دو فعل «داشتن و شدن» اکتفا می‌کند که اولی برای بیان استمرار و دومی برای امکان وقوع به کار می‌رود.

شفایی (۱۳۶۳: ۴-۹۲) ضمن اذعان به اغتشاش و اختلاف نظرهای فراوان میان دستورنویسان در باب افعال کمکی یا معین فارسی، خود بر این نظر است که افعال کمکی یا معین افعالی هستند که به کمک آنها افعال مرکب فارسی به وجود می‌آیند. وی این افعال را به دو دسته تقسیم می‌کند: دسته‌ای شامل «بودن، شدن و خواه» است که بترتیب در ساختن صورت‌های «نقلی، مجهول و آینده» به کار می‌روند و وی نام «افعال مشایع» را بر آنها می‌نهد؛ و دسته‌ی دوم، شامل افعالی که وی «وجهی» می‌نامد و چهار نمونه‌ی اصلی آنها را «خواستن، توانستن (یارستن)، بایستن و شایستن» می‌داند. همان گونه که مشاهده می‌شود، توضیح بسیار مختصر شفایی نیز شرحی کافی از وجهیت و افعال وجهی فارسی به دست نمی‌دهد.

غلامعلی‌زاده (۱۳۷۴: ۲-۴۵) نیز از اصطلاح فعل ناقص در برابر فعل واژگانی استفاده می‌کند و وجه تمایز این افعال را از افعال واژگانی در این می‌داند که هسته‌ی گروه فعلی واقع نمی‌شوند. وی سپس این افعال را به چهار دسته تقسیم می‌کند: «کمکی (بودن، خواستن و داشتن)»، «وجهی (باید، شدن و توان)»، «شدن (مجهول‌ساز)» و «توانستن (قادر بودن و اجازه داشتن)». به هر حال، روشن نیست که تقسیم چهارگانه‌ی غلامعلی‌زاده بر چه ملاکی صورت گرفته است. برای مثال، فعل مجهول‌ساز چرا از سه فعل دیگر کمکی جدا افتاده است و اصولاً چه حسن و مزیتی بر این نوع دسته‌بندی مترتب است که بر دیگر تحلیل‌ها نیست. ایشان نیز به مانند بسیاری از دیگر آثار دستوری عنایتی به ارتباط صوری و معنایی مفهوم وجهیت در فارسی نداشته‌اند.

رحیمیان (۱۳۸۱: ۴-۴۱) افعال غیرواژگانی را براساس نقش‌های معنایی به چهار دسته تقسیم می‌کند: کمکی‌های وجهی (باید، توان و شدن)، کمکی‌های نمودین (بودن و داشتن)، کمکی مجهول‌ساز (شدن) و کمکی آینده‌ساز (خواه). از زوایای معنادار، شاید بتوان فعل کمکی خواه را هم در زمره‌ی کمکی‌های وجهی قرار داد؛ زیرا، چنان که خواهیم دید، بسیاری اوقات به کاربردهای وجهی دلالت دارد.

افراشی (۱۳۸۶: ۱۲۹) افعال معین را افعالی می‌داند که معنی اصلی خود را از دست داده و برای مشخص کردن «زمان یا نمود» به کار می‌روند. وی افعال معین فارسی را شامل چهار فعل «بودن (نقلی ساز)»، «داشتن (استمراری ساز)»، «شدن (مجهول ساز)» و «خواستن (آینده ساز)» می‌داند. وی همچنین از صورت‌های بایستن، توانستن و شایستن به عنوان افعال شبه معین یاد می‌کند که با ظاهر شدن پس از دیگر افعال، باعث تغییر وجه فعل بعد از خود می‌شوند. به هر حال، باید توجه داشت که سه فعل شبه معین ایشان هیچ سنخیتی با یکدیگر ندارند. «شاید» امروزه نه فعل و نه شبه فعل است، بلکه با توجه به کارکرد نحوی قید محسوب می‌شود. اصطلاح شبه معین نیز برای «توانستن» مناسب نیست.

رحیمیان (۱۳۸۶) در بررسی و تحلیل ارتباط‌های صوری و معنایی «نمود» در گروه‌های فعلی فارسی به موارد مکرری اشاره می‌کند که در آنها صورت گروه فعلی هیچ‌گونه همخوانی با معنای بیان شده در آن گروه ندارد. عنایت به عدم تطابق صوری و معنایی مقوله‌های مورد بحث، لازم است. به عنوان نمونه، جمله‌ی زیر اگرچه فعل کمکی «باشد» را با خود دارد، اما هیچ نشانی از تحقق رخدادی نقلی در آن نیست. از فحوای کلام در جمله‌ی ذیل می‌توان چنین استنباط کرد که گوینده جمله را پیش از رسیدن هواپیما به فرودگاه به زبان آورده که به‌طور یقین پیش از ظهر بوده است:

۱- «پیش‌بینی می‌کنم هواپیما تا ظهر به فرودگاه لندن رسیده باشد».

علاوه بر محققان مذکور در این پیشینه، پژوهشگران دیگری نیز از جمله وحیدیان کامیار و عمرانی (۱۳۷۹)، گیوی و انوری (۱۳۷۰)، لازار (۱۹۹۵)، ماهوتیان (۱۹۹۷) و می‌س (۲۰۰۳) نکاتی را در باب افعال کمکی فارسی بیان کرده‌اند.

رحمانی پرهیزکار و همکاران (۱۳۹۳) از دیدگاهی شناختی و با استفاده از نظریه‌های زبانشناسی شناختی به تحلیل و بررسی طرح‌واره‌های وجهی در نظام وجهیت فارسی پرداخته‌اند. با مطالعه‌ی چهار فعل وجهی «باید، شاید، توانستن و خواستن» بر این باورند که مفاهیم وجهی افعال مزبور تأثیرپذیر از سه عامل «نفی، زمان و وجه» در پاره‌گفتارها هستند. از جمله ملاک‌های لازم برای تبیین معنایی-شناختی این افعال، می‌توان به «جایگاه قدرت، جهت جبر و ذهنیت» اشاره کرد.

عموزاده و رضایی (۱۳۹۱) با بررسی نقش زمان دستوری در بیان برخی از مفاهیم وجهی، به این نتیجه رسیده‌اند که صورت‌های حاوی زمان دستوری در هیأت «شرطی، انعکاس اشاره‌ای و ساخت تمنایی و التزامی» ایفاگر نقش در بیان مفاهیم وجهی هستند. البته آنها از نقش مهم بافت کلام و وجه‌نماها در بیان مفاهیم وجهی غافل نبوده‌اند. از نظر ایشان، از دیگر عوامل تأثیرگذار در شکل‌گیری کارکردهای وجهی زمان‌های دستوری در فارسی «فرآیندهای شناختی از جمله نگاشت استعاره‌ی و فضاسازی ذهنی» و همچنین بافت و عوامل کاربردی است.

عموزاده و رضایی (۱۳۸۹) با استفاده از شواهد عملی و محاوره‌ای، و با ایجاد یک ساختار معنایی سه مؤلفه‌ای برای «باید» و همچنین با عنایت به تنوع معنایی این فعل به بررسی برخی از ابعاد معنایی و شناختی آن پرداخته‌اند. ایشان در انتها به این نتیجه رسیده‌اند که نخست، تنوع معنایی این فعل وجهی حاصل گوناگونی فراوان بافت‌های کلامی است. دوم کاربرد معرفتی این فعل وجهی به مراتب کمتر از کاربرد فاعل‌مدار است، زیرا کاربرد اخیر ریشه‌ای‌تر است.

مظاهری و همکاران (۱۳۸۳) وجه التزامی را در زبان فارسی تحلیل کرده‌اند. در این پژوهش به این نکته اشاره شده است که دستوریان قدیم مفهوم وجه را با توجه به فعل تعریف کرده‌اند، اما دستوریان جدید با توجه به این که این مفهوم به طور مستقیم به فعل مربوط نیست، آن را، برداشت گوینده از کل جمله تعریف می‌کنند. بنابراین برای شناختن وجه فعل، باید عوامل صوری و معنایی شناخته شوند. براساس آنچه گفته شد، این نتیجه حاصل می‌شود که وجه التزامی، نظر گوینده را نسبت به اجرای عمل به صورت احتمالی بیان می‌کند و همچنین معمولاً همراه کلمات وجهی و در بخش پیرو جملات مرکب می‌آید.

واعظی (۱۳۸۶) معتقد است که افعال وجهی به لحاظ درجه‌ی شفافیت و تیرگی معنایی بر روی یک پیوستار واقع می‌شوند. ایشان پس از بررسی «ساختار معنایی افعال وجهی در زبان فارسی امروز» به این نتیجه رسیده است که برخی از این افعال چند معنا دارند. اگر چنین افعالی در جمله واقع شوند، تاکید و شدت آهنگ بر روی آنها، معنای مورد نظر را مشخص می‌سازد. در این پژوهش بر تفاوت میان وجه (مقوله‌ای دستوری) و وجهیت (مقوله‌ای در معنا) تاکید شده است.

زاهدی و بازیان (۱۳۸۷) با مبنا قرار دادن نظرات اف.آر.پالمر پیرامون وجه و وجه‌نمایی به بررسی این پدیده در زبان آذری پرداخته‌اند. نتایج حاصل از این پژوهش نشان می‌دهند که درجات سه وجه خبری، امری و التزامی در حوزه‌ی وجه‌نمایی در این زبان صرفاً «امکان و الزام» را در برمی‌گیرند. همچنین این پژوهش با تاکید بر تمایز میان وجه "mood" یعنی صورت ظاهری فعل و وجه‌نمایی "modality" یعنی نقش و کاربرد آن، به این نتیجه رسیدند که سه وجه‌نمایی برداشتی، درخواستی و توانمندی در این زبان وجود دارند.

نقی‌زاده و همکاران (۱۳۹۰) مفهوم ذهنیت دو فعل «باید» و «توانستن» را مورد بررسی قرار داده‌اند. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که نمی‌توان مرز مشخصی بین عینیت و ذهنیت در افعال وجهی قائل شد و این دو قابل تفکیک نیستند. این پژوهش بیان می‌کند که همگرایی در وجهیت الزامی و معرفتی به این دلیل وجود دارد که محتوای معنایی این دو وجهیت، واحد است اما در دو حوزه‌ی متفاوت اعمال می‌شوند. همچنین جنبه‌های معناشناختی و کاربرشناختی بر گسترش معنایی عبارات وجهی تاثیرگذارند.

آقاگل‌زاده و عباسی (۱۳۹۱) دسته‌بندی جدیدی از وجوه فعل براساس معنای کانونی «احتمال وقوع» و بر پایه‌ی نظریه‌ی فضا‌های ذهنی ارائه می‌دهند. نتایج پژوهش حاکی است که وجوه فعل با

توجه به احتمال وقوع بر روی پیوستاری قرار می‌گیرند که در یک سو، رخداد حتمی فعل (وجه اخباری) و در سوی دیگر، رخداد غیرمحتمل (وجه غیرمحتمل) قرار می‌گیرد و در میانه‌ی این پیوستار، رخداد احتمالی فعل (وجه التزامی) واقع شده است. بررسی کاربرد وجه فعل با توجه به نظریه‌ی فضاهای ذهنی نیز نشان می‌دهد که گوینده با توجه به سه فضای ذهنی که در ذهن دارد، وجه فعل را به کار می‌برد؛ یعنی در فضای ذهنی اخباری، از وجه اخباری، در فضای ذهنی التزامی/محتمل، از وجه التزامی و در فضای ذهنی غیرمحتمل، از ماضی استمراری یا بعید استفاده می‌کند.

کریمی‌دوستان و ایلخانی‌پور (۱۳۹۱) به منظور یافتن الگویی برای مطالعه‌ی نظام وجهیت در زبان فارسی به پژوهشی در این باب پرداخته‌اند. در این پژوهش، طبقه‌بندی پورتر از عناصر وجهی مورد قبول واقع شد. بر این اساس وجهیت در سه سطح جمله، سازه‌های کوچک‌تر از جمله و گفتمان قابل بیان می‌باشند. طبقات اصلی این سطوح، وجهیت جمله‌ای، وجهیت زیرجمله‌ای و وجهیت گفتمانی می‌باشند. با توجه به این موارد، عناصر وجهی را می‌توان از نظر واج‌شناختی، ساخت‌واژی، نحوی، معنایی و کاربردشناختی مطالعه کرد. در این پژوهش با افزودن اسامی وجهی و صفات وجهی به عناصر وجهی فارسی، دو عنصر جدید در نظام وجهیت زبان فارسی معرفی شد.

همایون‌فر (۱۳۹۲) روند دستوری‌شدگی فعل وجهی فارسی را با استفاده از پارامترهای لمان مورد تحلیل قرار داده است. بر پایه‌ی این پژوهش، افعال وجهی در کاربرد معرفتی، دارای درجه‌ی دستورشدگی بیشتری نسبت به کاربرد این افعال در مفهوم ریشه‌ای می‌باشند. به علاوه، می‌توان گفت که افعال وجهی در زبان فارسی به یک میزان دستوری نشده‌اند و این افعال، با توجه به میزان دستوری‌شدگی، بر روی پیوستاری قرار می‌گیرند که یک سوی آن فعل «شاید» می‌باشد که در حال تبدیل شدن به قید وجهی است و در سوی دیگر این طیف فعل «توانستن» می‌باشد که ویژگی‌های واژگانی بودن خود را حفظ کرده است.

مرادی (۱۳۹۲) به بررسی فعل‌های وجهی کردی سورانی پرداخته است. سه فعل وجهی در این زبان سه وجه‌نمایی معرفتی، استلزامی و پویایی را نشان می‌دهند، اما این سه فعل توانایی بیان وجه‌نمایی گواه‌نمایی را ندارند. عامل تمایز میان افعال معادل «باید»، «شدن» و «توانستن» در کردی، مراتب وجه‌نمایی و انواع آنها می‌باشد. برای مثال، در باب وجه‌نمایی معرفتی، فعل معادل «باید» در زبان کردی دو مرتبه‌ی امکان و الزام را نشان می‌دهد، در حالی که افعال معادل «شدن» و «توانستن» تنها نشان‌دهنده‌ی مرتبه‌ی امکان می‌باشند.

دل‌زنده‌روی و اولیایی‌نیا (۱۳۹۳) در پژوهشی بر شیوه‌ی ترجمه‌ی کلمات وجهی و تاثیر انتخاب‌های مترجمان بر دنیای داستان پرداخته‌اند. بدین‌منظور «رمان ویرجینی وولف و دو ترجمه فارسی آن خیزاب‌ها ترجمه پرویز داریوش (۱۳۵۶) و امواج ترجمه فرشاد نجفی پور (۱۳۷۷)» انتخاب شدند و «مدل بوسو (۲۰۰۴)، مبتنی بر مدل دستور وجهیت سیمپسون (۱۹۹۷)، جهت بررسی نحوه برگردان افعال وجهی» استفاده شد. با توجه به نتایج این پژوهش می‌توان گفت که

مترجمان تاکید کمتری بر وجهیت داشته‌اند. با مقایسه‌ی دو مترجم می‌توان پی برد که داریوش ترجمه‌ی نظام‌مندتری از افعال وجهی داشته است.

ایلخانی‌پور و کریمی‌دوستان (۱۳۹۳) نقدی بر طبقه‌بندی توانگر و عموزاده از افعال وجهی فارسی نگاشته‌اند. در طبقه‌بندی صرفی-نحوی توانگر و عموزاده، افعال وجهی به سه دسته‌ی افعال واژگانی وجهی، افعال کمکی و محمول‌های حالت ذهنی تقسیم شده‌اند. طبق نقد انجام شده، طبقه‌بندی توانگر و عموزاده طبقه‌بندی صرفی-نحوی از این افعال نمی‌باشد. همچنین این طبقه‌بندی را نمی‌توان نوعی طبقه‌بندی معنایی به حساب آورد؛ چرا که طبقات معنایی افعال وجهی را در کنار طبقه‌ی قیود وجهی که معیاری صرفی-نحوی است، آورده‌اند.

شیبانی‌اقدم و غلامی (۱۳۹۳) به بررسی کاربرد افعال وجهی در پیکره‌ی شش متن از قرن ششم هجری پرداخته‌اند. نتایج حاصل از این پژوهش نشان می‌دهد که صفات و قیده‌های وجهی همچون فعل در تقویت معانی لزوم، احتمال، توانمندی و خواستن کاربرد داشته‌اند. از جمله عوامل تاثیرگذار در میزان استفاده و درجه‌ی عناصر وجهی، می‌توان به «بینش سیاسی، روایی و عرفانی، شخصیت، قدرت و جایگاه اجتماعی» اشاره کرد.

جلالیان چالشتی (۱۳۹۵) فعل تابع دو فعل وجهی S, C - (بایستن) و $k'm$ - (خواستن) را در زبان سغدی مورد مطالعه قرار داده است. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که این دو فعل با گونه‌های مختلف مصدر و وجوه فعلی مختلف در جملات پیرو به کار می‌روند. فعل S, C - در متون غیربودایی دارای بسامد محدودتری است، اما کاربرد $k'm$ در متون بودایی و مسیحی بسامد نسبتاً برابری را داراست.

متولیان (زیر چاپ) به منظور دست‌یافتن به ارتقای یا کنترلی بودن افعال وجهی، پژوهشی در این باب انجام داده است. نتایج حاصل از این پژوهش نشان می‌دهد که ارتقای یا کنترلی بودن این افعال به گزاره‌ای یا غیرگزاره‌ای بودن آنها بستگی دارد؛ بدین معنا که افعال گزاره‌ای فارغ از عوامل درونی و بیرونی، دارای خوانش ارتقای هستند. بنابراین از آنجایی که افعال وجهی «شدن» و «باستن» گزاره‌ای هستند، دارای ساختار ارتقای می‌باشند.

نغزگوی کهن و نقشبندی (۱۳۹۵) تحلیلی از نظام وجهیت و افعال وجهی در زبان هورامی داشته‌اند. نتایج این تحلیل نشان می‌دهد که تنها فعل « $mašjo$ بایستن»، ظرفیت انعکاس وجهیت استلزامی در گذشته و مرتبه‌ی الزام از وجهیت معرفتی و وجهیت استلزامی را داراست و افعال « $bijej$ شدن» و « $tāwāj$ توانستن» تنها می‌توانند نشان‌دهنده‌ی مرتبه‌ی امکان از وجهیت‌های معرفتی و استلزامی باشند. گاهی می‌توان فعل « $bijej$ شدن» را برای بیان مرتبه‌ی الزام از وجهیت تکلیفی به کار برد که در این صورت در مقایسه با فعل « $mašjo$ بایستن»، جنبه‌ی اجبار کمتری را متوجه کنش‌گر می‌کند. از دیگر کاربردهای فعل « $tāwāj$ توانستن» می‌توان به استفاده‌ی این فعل برای نشان دادن وجهیت پویا اشاره کرد. هیچ یک از سه فعل مذکور توانایی بیان وجهیت گواه‌نمایی را ندارند.

منصوری (۱۳۸۵) نیز نشان می‌دهد که یکی از مواردی که می‌تواند تأثیر ایدئولوژی مترجم را نشان دهد افعال وجهی است. وی با بررسی فعل‌های وجهی در ترجمه‌های قرآن کریم نشان می‌دهد که چگونه مترجمین به شکل معناداری در به‌کارگیری افعال وجهی متفاوت عمل کرده‌اند.

۲-۱ وجه

گاهی صفحات معتناهی در باب برخی مفاهیم دستوری رقم زده می‌شود بی آن‌که ابتدا اطلاعاتی پایه از جمله تعریفی ساده از مفهوم مورد بحث در اختیار مخاطب قرار داده شود. به نظر می‌رسد این نکته در باب «وجه» نیز بی‌مصدق نباشد. با نگاهی گذار به پیشینه‌ی پژوهش در باب وجه و ماهیت آن، مشاهده می‌شود که در قریب به اتفاق منابع یا از این مقوله تعریفی ارائه نشده یا تعریف شفافی بیان نشده است [ارک شفاهی (۱۳۶۳)، خانلری (۱۳۶۶)، وحیدیان کامیار (۱۳۷۳)، لازار (۱۹۹۲) و ماهوتیان (۱۹۹۷)]. در بخش‌های زیر، هدف آشنا ساختن مخاطب با «وجه» از هر دو جنبه‌ی صوری و معنایی است.

۱-۲ جنبه صوری وجه

اگرچه از صورت‌های گوناگون واژگانی بویژه قید، برای بیان وجهیت که در حقیقت جنبه‌ی معنایی وجه است، استفاده می‌شود، اما بارزترین مصادیق صوری «وجه» را می‌توان در صورت‌های فعلی مشاهده کرد. برای مثال، فعل فارسی، بر پایه ویژگی‌ها و عناصر ساخت‌وآزی خود، ظرفیت ظاهر شدن در ده شکل کلی را دارد که هر کدام، مصداق خاصی از وجه قلمداد می‌شود. آن‌چنان که بعد از این خواهیم دید، برخی از این اعضای ده‌گانه، هر کدام شش صورت صرفی اول، دوم، و سوم شخص مفرد و جمع خواهند داشت و بعضی هم تنها یک صورت ثابت غیرصرفی دارند. ما برای متمایز ساختن هر مصداق وجهی از دیگر مصادیق ده‌گانه، برچسبی ترکیبی و مختص، بر آن مترتب می‌سازیم. بر این اساس، صورت‌های وجهی فارسی در لایه‌ی نخست، به دو دسته‌ی «صرفی (خودایستا)» و «غیرصرفی (ناخودایستا)» تقسیم می‌شوند. در لایه‌ی دوم، خودایستاها به دو دسته‌ی کلی «اخباری» و «غیراخباری» تقسیم می‌شوند. هر کدام از سه دسته‌ی زیر، شش صورت (شخص و عدد) «اخباری» دارند:

- | | |
|---|--------------------|
| ۲- می‌روم، می‌روی، می‌رود، می‌رویم، می‌روید، می‌روند | [اخباری غ گ] |
| ۳- می‌رفتم، می‌رفتی، می‌رفت، می‌رفتیم، می‌رفتید، می‌رفتند | [اخباری گ استمرار] |
| ۴- رفتم، رفتی، رفت، رفتیم، رفتید، رفتند | [اخباری گ] |

خودایستاها سه مصداق دیگر دارند که همگی «غیراخباری» هستند: «امری، التزامی و دعایی»:

۵- بروم، برو، برو، برویم، بروید، بروند	[امری]
۶- بروم، بروی، برو، برویم، بروید، بروند	[التزامی]
۷- برواد	[دعایی] ^۱

چهار صورت وجهی باقیمانده عبارتند از صورت‌های ناخودایستا، که ابتدا به دو دسته‌ی «مصدری» و «اسم مفعولی» تقسیم می‌شوند. مصدرها نیز به دو شکل «کامل» و «کوتاه (مرخم)» ظاهر می‌شوند، و اسم مفعول‌ها هم دو صورت «ساده» و «استمراری» دارند:

۸- بردن	[مصدر کامل]
۹- برد	[مصدر کوتاه]
۱۰- برده	[اسم مفعول]
۱۱- می‌برده	[اسم مفعول استمراری]

مختصر این که فعل فارسی حاوی ده صورت وجهی است که عبارتند از: ۱- اخباری غیرگذشته، ۲- اخباری گذشته‌ی استمراری، ۳- اخباری گذشته‌ی ساده، ۴- امری، ۵- التزامی، ۶- دعایی، ۷- مصدر، ۸- مصدر کوتاه، ۹- اسم مفعول، ۱۰- اسم مفعول استمراری. از میان ده صورت فوق، دعایی به تدریج از فارسی منسوخ شده و نقش آن به عهده‌ی التزامی گذاشته شده است. مثلاً بجای «خدایش ببخشد» می‌گوییم: «خدا او را ببخشد». صورت وجهی یازدهمی در فارسی متصور نیست.

۱-۲-۲ جنبه معنایی وجه

در هر زبان، برای بیان هر مفهوم، صورت یا صورت‌هایی وجود دارد و هیچ زبانی از داشتن این ابزار خالی نیست. اگر گاهی فرد ادعا می‌کند که از بیان آنچه در ذهنش است عاجز است، این مشکل، مشکلی فردی است که گاهی افراد ضعف خود را به اشتباه به زبان و عدم ظرفیت آن نسبت می‌دهند که این قضاوتی نادرست است. وجوه فعلی که پیش از این از آنها سخن به میان آمد، یکی از مهم‌ترین مجموعه امکاناتی است که برای بیان مافی الضمیر خود به کار می‌گیریم. وجه از جنبه‌ی معنایی بازتاب نگاهی است که گویندگان به رخداد دارند. برای مثال، هرگاه گوینده موضعی همراه با قطعیت نسبت به رخداد دارد و سخن از وقوع بی‌قید و شرط رخداد باشد، با «وجه قطعی» سروکار داریم. برعکس، گاهی سخن از رخدادهای وضعیتی‌های غیرقطعی است که این عدم قطعیت‌ها، که در

۱. در فارسی امروز وجه دعایی بجز در مورد فعل «بودن» که به شکل «باد» استفاده می‌شود، کاربردی ندارد و معنای معادل با استفاده از وجه التزامی بیان می‌شود.

فارسی به رخدادهای «وجهی» معروف شده‌اند، خود جزئیات بسیار فراوان و دقیقی دارند که مباحث اصلی کتاب حاضر را تشکیل خواهند داد.

برای روشن شدن تفاوت میان رخدادهای قطعی و غیرقطعی، دو نمونه‌ی زیر را که سخنگو طی آنها به ترتیب از قطعیت و عدم قطعیت رخداد سخن می‌گوید، بنگرید:

۱۲- شرکت پیشنهاد ما را پذیرفت.

۱۳- شرکت باید پیشنهاد ما را بپذیرد.

گوینده با استفاده از جمله‌ی (۱۲)، سخن از پذیرش بی‌قید و شرط پیشنهادی می‌کند که افرادی به شرکت مورد نظر داده‌اند. اما سخنگو با استفاده از جمله‌ی (۱۳) از پیشنهادی سخن می‌گوید که افرادی میل دارند مورد پذیرش شرکت قرار گیرد. در این جمله نشانه‌ای از پذیرش قطعی آن پیشنهاد دیده نمی‌شود، و از این‌رو، آن جمله را وجهی می‌پنداریم. ذکر دو نکته در اینجا ضروری می‌نماید. نخست، وجهیت انواع و درجاتی دارد که در جای خود تشریح خواهد شد. دوم، رابطه‌ی صورت وجه و معنای وجه ضرورتاً مستقیم نیست؛ بدین معنا که ممکن است وجه فعل جمله، اخباری باشد اما جمله به رخدادی قطعی اشاره نداشته باشد. همچنین ممکن است که وجه فعل، غیراخباری باشد اما جمله حاکی از رخدادی قطعی باشد. این نکات در جای مناسب به تفصیل مورد بحث قرار خواهند گرفت.

۱-۲-۳ وجه و زمان دستوری

برخی از وجوه فعلی بنا به ماهیت در قالب صورت‌های خودایستا ظاهر می‌شوند که حامل زمان دستوری هستند. عمده‌ترین مصادیق مورد اخیر، سه صورت فعلی از وجه اخباری به نام‌های «غیرگذشته‌ی استمراری»، «گذشته‌ی استمراری» و «گذشته‌ی ساده» است:

[غیرگذشته‌ی استمراری]

[گذشته‌ی استمراری]

[گذشته‌ی ساده]

۱۴- خانه را می‌فروشم.

۱۵- خانه را می‌فروختم.

۱۶- خانه را فروختم.

در دسته‌ای دیگر از صورت‌های فعلی خودایستا، اگرچه فعل برای شخص و عدد صرف شده است، اما زمان دستوری فعل، بدان شکل که در صورت‌های اخباری مطرح است، در آنها قابل طرح نیست. این موارد صورت‌های «امری»، «التزامی» و «دعایی» است که صورت فعل، گویای زمان دستوری فعل

نیست و به طور اصولی زمان دستوری این صورت‌ها نه مطرح است و نه نیازی به سخن گفتن از آنهاست. آنچه در باب این سه صورت وجهی آشکار است، وجود ریشه‌ی مضارع در همه‌ی آنهاست:

- ۱۷- خدا/یا مرا ببخش. [امری]
 ۱۸- بهتر است کتاب را بخوانی. [التزامی]
 ۱۹- خدا/یش بیامرزاد. [دعایی]

دسته‌ی سوم از صورت‌های وجهی، صورت‌های ناخودایستاست که بنا به ماهیت، نشانه‌ای از زمان دستوری در آنها نیست و سخن گفتن از زمان دستوری در باب آنها بی‌ربط است. مصادیق این موارد صورت‌های «مصدری» و «مصدر مرخم» و همچنین «اسم مفعول» و «اسم مفعول استمراری» است. تمام این صورت‌ها حاوی ریشه‌ی گذشته است. بدیهی است در مواردی این چنین عنصر دیگری از قبیل فعل کمکی یا فعل دیگری در جمله بیانگر زمان خواهد بود:

- ۲۰- رفتن شما به دفتر صلاح نیست. [مصدر کامل]
 ۲۱- پاسخ را باید زودتر داد. [مصدر کوتاه]
 ۲۲- حسن به مدرسه رفته است. [اسم مفعول]
 ۲۳- سال‌ها در این شرکت کار می‌کرده است. [اسم مفعول استمراری]

۱-۲-۴ وجه، رخداد و زمان تقویمی

آن‌چنان که در بخش بالا دیده شد، هیچ ارتباط تعریف‌شده‌ای میان وجه و زمان دستوری حاکم نیست، زیرا وجه صوری بدون تکیه به زمان دستوری تعریف شد. اکنون لازم است که به بررسی این نکته پرداخت که آیا رابطه‌ای میان وجه و نوع رخدادها وجود دارد؟ از آنجا که بسیاری اوقات از وجوه اخباری برای بیان رخدادهای قطعی استفاده می‌شود، و برای رخدادهای غیرقطعی از صورت‌های التزامی بهره گرفته می‌شود [مانند (۱۲) و (۱۳) در بالا]، ممکن است این تعمیم بخشی شتاب‌زده صورت گیرد که رابطه‌ای مستقیم میان تمام مصادیق وجه اخباری و رخدادهای قطعی حاکم است، و همچنین رابطه‌ای مستقیم میان مصادیق وجه التزامی و رخدادهای غیرقطعی وجود دارد. در پاسخ باید گفت که اگرچه ممکن است گاهی انطباقی میان وجوه یاد شده و رخدادهای مذکور دیده شود، اما این مشاهدات مجوزی برای چنین تعمیمی ایجاد نخواهد کرد، زیرا بسیاری اوقات چنین رابطه‌ای برقرار نخواهد بود. کما این که بسیاری اوقات، جمله‌ای با وجه التزامی به رخدادی قطعی دلالت می‌کند و برعکس برخی از مصادیق وجه اخباری به هیچ روی اشاره به رخدادی قطعی ندارند:

۲۴- علی جان/ان میری میشینی مشقات مینویسی.

۲۵- من برم بیرون به کم هواخوری.

جمله‌ی (۲۴) که حاوی سه فعل با وجه اخباری است، ممکن است در بافتی به کار رود که پدر خطاب به فرزندش از وی درخواست دارد که به سراغ مشقه‌هایش برود و لذا به رخدادی قطعی دلالت ندارد. برعکس، جمله‌ی (۲۵) با وجه التزامی خبر از رخدادی قطعی می‌دهد که گوینده در شرف تحققش است.

همان‌گونه که پس از این خواهیم دید، ضرورتاً رابطه‌ی مستقیمی نیز میان وجه و زمان تقویمی رخداد وجود ندارد. یک فعل با وجه یکسان (مثلاً گذشته‌ی استمراری) را می‌توان برای بیان یک رخداد در زمان تقویمی گذشته، حال و آینده به کار گرفت:

۲۶- اگر دیروز به دانشگاه می‌رفتی استاد را می‌دید.

۲۷- اگر الان جواب سؤال را می‌دانستم به تو می‌گفتم.

۲۸- اگر فردا به تهران می‌رفتی حسن شما را ملاقات می‌کرد.

در سه جمله‌ی بالا، وجه و زمان دستوری همه‌ی فعل‌ها یکسان، یعنی اخباری و گذشته است، اما زمان تقویمی هر سه جمله از یکدیگر متفاوتند. جمله‌ی (۲۶)، در بافتی به کار می‌رود که گوینده از دو رخداد فرضی سخن می‌گوید که وقوع آن یک روز پیش از بیان کلام عملی بوده است. جمله‌ی (۲۷) بیانگر این است که گوینده در لحظه‌ی سخن گفتن از جواب سؤال بی‌خبر است، در غیر این صورت، آن را به اطلاع مخاطب می‌رساند. در جمله‌ی (۲۸)، گوینده از موقعیتی فرضی در آینده سخن می‌گوید که تحقق آن با توجه به شرایط مخاطب منتفی است.

۳-۱ وجهیت و ابزار بیان آن

نگاه زبان‌شناسان به وجه و وجهیت گاهی تفاوت‌هایی دارد که توجه به آنها خالی از فایده نیست. برخی چون یسپرسن (۱۹۲۴) و به تبع وی پالم (۱۹۹۰) وجهیت را یکی از مختصات معنایی-دستوری می‌دانند. بعضی دیگر چون کوتس (۱۹۸۳)، بایبی (۱۹۹۸)، هلیدی (۲۰۰۲)، تروگات (۲۰۰۳)، باتلر (۲۰۰۳) و ناروگ (۲۰۰۵) آن را پدیده‌ای معنایی می‌پندارند.

همان‌گونه که در اوائل بحث گفته شد، به طور کلی می‌توان گفت که نگاه سخنگویان زبان به رخدادها یا قطعی و بی‌قید و شرط، و یا مشروط و با چون و چراست. رخدادهایی که نگاه ما به آنها نگاهی خالی از شرط و تردید است، دارای وجه قطعی هستند. در اینجا نگاه ما به جنبه‌ی معنایی وجه است. وقتی که سخن، مربوط به رخدادهای قطعی نیست، بلکه تنها از ضرورت، امکان، احتمال،

اجازه، و ... رخدادهای سخن گفته می‌شود. در این حالت ما با رخدادهایی روبرو هستیم که به لحاظ وجهیت، غیرقطعی هستند و در عرف مطالعات دستوری به رخدادهای وجهی معروفند. بدیهی است وقتی که سخن از رویداد است، یعنی با بعد معنایی وجه روبرو هستیم. دو نمونه‌ی زیر را بنگرید:

۲۹- آموزش قرآن در مدارس انجام می‌شود.

۳۰- آموزش قرآن باید در مدارس انجام شود.

در جمله‌ی (۲۹)، سخنگو با قطعیت و یقین سخن از آموزش قرآن می‌گوید و تحقق آن را به هیچ شرطی از شروط وابسته نمی‌سازد؛ برعکس، در جمله‌ی (۳۰)، گوینده، تحقق آموزش قرآن را تضمین نمی‌کند، بلکه تنها به ضرورت محقق شدن آموزش قرآن دلالت دارد. در قلمروی رخدادهای غیرقطعی، مفاهیم گوناگونی از قبیل برداشت معرفتی یا نتیجه‌گیری منطقی، استلزام، ضرورت، امکان، احتمال، اجازه و امثال آن مطرح است که هر کدام در جای خود مورد بحث قرار خواهد گرفت. بیان مفاهیمی از قبیل آنچه هم‌اکنون به آنها اشاره شد، ابزار گوناگونی را می‌طلبد و زبان به زبان متفاوت است. برخی از زبان‌ها به چنان سامانه‌ی فعلی قوی و کارآمدی مجهز هستند که ظرفیت بیان بخش عظیمی از مفاهیم وجهی را دارند. برخی دیگر از زبان‌ها علاوه بر استفاده از سامانه‌ی فعل، از ابزاری واژگانی، ساخت‌واژی و یا نحوی برای بیان وجهیت کمک می‌گیرند. حتی در بعضی از زبان‌ها علاوه بر ابزار مذکور از فعل‌های شبه‌وجهی نیز استفاده می‌شود تا مفاهیم وجهی مورد نظر به خوبی بیان شوند. البته باید همواره به خاطر داشت که «وجهیت» شاخصه‌ای دارد که آن را از مقوله‌های زبانی همچون شخص و عدد، زمان دستوری، نمود فعلی و وجوه فعلی متمایز می‌سازد. «وجهیت» به لحاظ ماهوی، برخلاف مفاهیم مزبور که فارغ از باورها و نگرش‌های فردی به شکلی مشخص و ثابت در زبان وجود دارند، مفهومی نگرشی و عقیده‌ای است که از سوی گوینده به مخاطب منتقل می‌شود. از این رو، می‌توان ادعا کرد که آنچه در باب وجهیت در زبان مطرح است، تفاوتی بنیادی با مفاهیم مزبور دارد [رک پالم (۱۹۹۰)].

علی‌رغم تنوع ابزار بیان وجهیت در زبان‌های گوناگون، به نظر می‌رسد که در بسیاری از زبان‌ها افعال وجهی از متداول‌ترین ابزار بیان وجهیت باشند. در زبان فارسی نیز چهار فعل وجهی از رایج‌ترین عناصر مورد استفاده در بیان رخدادهای وجهی هستند. نخستین و شاید شناخته‌شده‌ترین و پرکاربردترین فعل وجهی فارسی، «باید» است. این فعل، که ویژگی‌های صرفی و نحوی آن در جای مناسب توضیح داده خواهد شد، برای بیان انواع و درجاتی از وجهیت به کار می‌رود که بخش مهمی از این تحقیق را به خود اختصاص خواهد داد. «باید» در چهار نمونه‌ی زیر با چهار صورت فعلی متفاوت همراه شده است که جزییات آنها به‌موقع تشریح خواهد شد: